

از ۱۳۷۲ تا امروز و در انتخابات گوناگون دولت یک پای مبارزه بوده و هست . این وضع چند پیامد دارد که یکی از آنها تعطیلی روال عادی کار دولتها است . دولتهایی که رئیس آنها برای بار دوم کنلیدی می‌شود جز رفتار و گفتار نمایشی و رای جمع کن در چند ماه آخر تصمیم بلند مدت در هیچ حوزه ای نمی‌گیرد.در این بی‌تصمیمی برخی از وزیران و مدیران ارشد دولت مستقر از هراس یا از رخوت و یا در بدترین حالت گرویدن به جبهه حریف تصمیمی نمی‌گیرند.دولت یازدهم نیز از این قاعده مستثنی نبود و رئیس دولت به همراه معاون اول و برخی معاونان و برخی از چهره های تندتر دولت از زمستان پارسال به مرور برای مبارزه آماده شدند و در بهار اسمال تمام قد در برابر رقبای سرسخت ایستادند. سفرهای پر شمار روحانی و حضور در میتینگ‌های انتخاباتی و مناظره‌ها و نوشتن در کنار استراتژیست های تبلیغاتی در عمل به تعطیل دولت در بهار اسمال منجر شد. از سوی دیگر فعالان اقتصادی در بخش تولید ، تجارت، بازرگانی ، معدن، بانکداری و حمل و نقل و کشاورزی در بخش خصوصی نیز در این فصل داغ انتخابات از تحرک همیشگی کاسته و با همه نیروی خود میدان مبارزه را رصد می‌کردند. اینگونه شده است که اقتصاد ایران در فصل داغ انتخابات بدنش سرد و قلبش یخ زده‌است.بازار سرمایه به مثابه نبض آشکار و پیدای فعالیت اقتصادی در این روزها با نوسان چشمگیر مواجه بود.بازار پول که صدای شیون و ناله اش از دوره به گوش می‌رسید در این فصل داغ با رخدادهای ترسناک مواجه شده است . در این فضای یخ زده است که شویختانه سیاستهای آزردهنده گروه جدید حاکم بر کاخ سفید به مرور از روی زبان و مغز و اندیشه به عمل نزدیک شده و بر پیچیدگی وضع اقتصاد کلان ایران افزوده است. این روزها با وجودی که منتقدان سیاسی حسن روحانی با چشم بهت زده می‌بینند که دامنه تحريم‌های در حال گسترش به پشت در بخشی از نهادهای مؤثر در سیاست و اقتصاد ایران رسیده است اما به دلایل عجیب و انکار که مبارزه ادامه دارد از هر سو دولت مستقر ودولت در حال انتخابات از زیر آتش گرفته و گونه ای نامود می‌کندد که هیچ شرکت و دولت خارجی به ایران نیايد. اکنون یک فصل سال را سپری کردیم؛ یخ ضخیم بازارها هنوز سفت و محکم برسر جای خود هستند و هرچا هم گشایش و واشدگی دیده می‌شود شویختگی به سوی بدتر شدن است.چه می‌توان کرد؟ به نظر می‌رسد رئیس دولت و معاون اول او که حالا چهره‌ای ملی دارد و اقبال شهروندان و گروه‌های اجتماعی به او روند فزاینده ای دارد باید به شایهت به میدان آمده و شروع به آب کردن یخ کسب و کارها کرده و هر چه می‌بندند و هرسنگ اندازی داخلی و خارجی را به شهروندان نشان دهند.معاون اول رئیس جمهور نقش اول را در شکست یخ اقتصاد می‌تواند بازی کند. اکنون معاون اول چند کار باید انجام دهد که یخ اقتصاد ایران آب شود و چشمان فعالان اقتصاد را از خیره ماندن پر شروع دوباره فعالیت‌ها سرازد. نخستین کار این است که فرمان صادر شده اش در زمستان پارسال فروردین ماه اسمال را که وظایف بشماري برای دهها دستگاه،وزارخانه و نهادهایی مثل بانک مرکزی صادر کرده است را دنبال کند . در این دستورها که در سه بخش رونق تولید، رونق سرمایه گذاری و رونق اشتغال است همه وزارخانه و بانک مرکزی موظف شده اند راه بندهای موجود بر سر راه تولید و سرمایه‌گذاری را حذف کنند.دقت در این ماموریت‌های داده شده به دستگاه‌های دولتی در مسیر به اندازه‌ای مدرن و پرشمار هستند که اجرائی حتی چند بند آن می‌تواند گره های بزرگ را بر طرف کند. به طور مثال به بانک مرکزی فرمان داده شده است که نرخ بهره بانکی را در حالت تعادل با نرخ تورم و نرخ سود سایر فعالیت‌ها قرار دهد. در این دستورهای منطبق بر اقتصاد رقابتي به بانک مرکزی آمده است که باید تا بهار اسمال نرخ ارز را به سویی هدایت کند که فعالان اقتصادی ایران احساس آرامش کنند . در این دستور به وزارت صنعت معدن و تجارت فرمان داده شده است که برای تولید صنعتی و نساجی تکنولوژی رنگامه هموار کند.معاون اول و همکارانش اکنون وظیفه دارند از دستگاه‌های مسئول بخواهند گزارش اقدام‌های کار راه‌آنه کرده و نشان دهند در مسیر این کار ها چه کرده اند. کار دومی که معاون اول باید انجام دهد سخن گفتن با شهروندان و گروه‌های گوناگون اجتماعی را در دستور کار قرار دهد.اکنون ایرانیان منتظرند یک مدیر ارشد دولت و یک فردی که مورد اعتماد فعالان صنعت، بازرگانی، حمل ونقل، بانکداری و سایر فعالیت‌ها است و زبان شهروندان را می‌شناسد به میدان بیاید و یخ اقتصاد را بشکند. توصیه کارشناسان این است معاون اول را رئیس جمهور در نخستین فرصت ممکن به میان فعالان اقتصادی رفته و رنگ راه افتادن قطار فعالیت های اقتصادی را به صدا در آورد.

می ترسم بار دیگر امیدها به یأس بدل شود

او در نهایت با اعلام این تصمیم که نمی‌خواهد وارد انتخابات شود، علت تصمیم خود را در این جمله خلاصه کرد: می‌ترسم بار دیگر امیدها به یأس بدل شود. جمله ای که به روشنی از بیم و امید آن روزها حکایت می‌کرد. تردید و ترغیب، بیم و امید؛ دوگانه هایی که او در نهایت جانب بیم و تردید را در آنها گرفت. سید خندان از مواعع راه آگاه بود. از اینکه چه راه‌هادهایی حتماً مقابل این حرکت خواهند ایستاد و چه دست‌های قدرتمندی به کار اخلا، اشتغال خواهند داشت. لذا خوف آن داشت، امید اصلاح، که پیش از تک بار در سال ۱۳۷۶ برافروخته شده بود و بار دیگر در سال۱۳۸۸ شعله گرفته بود، با هم گرفتار بادهای سرد ناموافق شود و این امید بار دیگر به یأس بدل شود. تردید او طبیعی بود. هم اصلاحات نخیف تر شده بود چرا که گرفتار بحران عمیق امنیتی بود و هم مخالفان اصلاحات، ثروتي از سرمایه‌های اقتصادی و سیاسی اندوخته بودند و هم کشوری سقوط کرده و سوخته بر جای مانده بود. او چشم اندازی از مولعی را می‌دید که امکان عبور از آن غیر ممکن می‌نمود.

با همه این احوال، او همیشه می‌گوید که هنوز از اصلاح امید نبریده است. ملت نیبی امیدوارنه به صحنه آمده بودند و گویا قصد یای کشیدن هم نداشتند. با همه مشکلات تا به امروز امیدوارانه در صحنه مانده اند و در سه انتخابات ۹۲، ۹۴ و ۹۶، نشان دادند که تمام همت و حمیت خود را به میدان آورده‌اند. حال باید دید که جلال ده گلند اند عمومی‌اموع؛ و کشمکش امیدایاس به چه سرانجامی می‌رسد؟! آن مواع که سید اصلاحات از آن بیم داشت هنوز پابرجا است و امروز به جان روحانی افتاده است. پاره ای از آن مواع، ریشه درونی دارد و پاره ای بیرونی، پاره‌ای به خود اصلاح طلبان و امتداد گرایان بر می‌گردد و پاره ای دیگر به مخالفان این ده گروه از یک طرف مثلت امید، در معرض افتادن به دام های غرور، دعوی قدرت طلبانه و نا کارآمدی است. هر کدام از این دام‌ها پای این مثلث را گیر اندازد، در واقع برای امید را شکسته است. هیچ چیز مانند این دام امید سوزن نیست. تجربه این دو دهه اصلاح طلبی این جریان را به یک بلوغ رسانده که امید می‌رود که از این دام و دانه هافاصله بگیرد. از سوی دیگر، اما مثلت امید، زیر سایه تهدیدهای مخالفان خود است. کسانیکه به هر علتی با جریان امید مخالفند، اینان امکانات، انگیزه و چهره‌نشان قابل مقایسه با سال‌های گذشته نیست، به طوری که هنوز امضای رای بیست و چهار بیومبونی روحانی خشک نشده، حملات خود را آغاز کرده‌اند این عده سال‌ها است که بیست و پانزدهای کلان را می‌گیرند در حالی که خود توانایی اداره یک نانوایی را هم ندارند. این تبعیض مستمر و بعضا سیستمی، آنان را به سقف جسارت در خودحق پنداری کشانده است. قطعا اش این حملات در ادامه شورتر هم خواهد شد. آنان تازه پروژه خطرناک بنی صدر نامی از روحانی را آغاز کرده اند. مشخص نیست این پروژه را تا کجا می‌خواهند ادامه دهند. به زور هم که شده امید خواهند او را به سرنوشش بنی صدر دچار کنند. البته بدبهی است که موفق نخواهند شد و روحانی کجا و بنی صدر کجاست؟ اما مشخص نیست تلاش آنان در این پروژه چه خسارت هایی بر کشور تحمیل کند .

شاید البته علت غلظت هجمه‌ها به دولت در این هنگامه، عصبانیت ناشی از نتیجه انتخابات باشد اما از یک نکته نیز نباید غفلت کرد که شاید دستی در کار است تا در همین ابتدا دولت را قدرتش حاشیه کند و با حمله‌های اردیگال، فضا را ایدیگالیزه کند و مقدمات سناریویی را بر صحنه قرار دهد.

لذا باید هوشیارانه این روزها را گذراند.



پیگیری‌های عارف برای حل موضوع خبر نگاران ممنوع‌الورود به مجلس

به دنبال ممانعت از ورود تعدادی از خبرنگاران پارلمانی به مجلس در پی تهیه گزارش از محل وقوع حادثه تروریستی، رئیس فراکسیون امید برای حل مشکل پیش آمده ازبیزی‌هایی انجام داده است. به گزارش ایلنا، محمدرضا عارف پس از مطلع شدن از ممانعت از ورود تعدادی از خبرنگاران پارلمانی به مجلس در پی تهیه گزارش از محل وقوع حادثه تروریستی ساختمان مروجعان مردمی، با ابراز ناخشنودی از مشکل پیش آمده نامه‌نگاری‌هایی از طریق هیات رئیسه مجلس برای حل مشکل پیش آمده و حفظ حرمت خبرنگاران انجام داده است.به دنبال تهیه گزارش هفت تن از خبرنگاران پارلمانی از محل وقوع حادثه تروریستی در مجلس، این افراد فعلا از حضور در صحن مجلس برای تهیه خبر منع شدند.

در فاصله دو انتخابات، برای بهبود عملکرد احزاب و سازوکارهای سیاسی چه باید کرد؟

نیاز سیاست به شفافیت



ک بهاران آزادی

Baharan.fdn@gmail.com

ادامه از صفحه یک

در آستانه انتخابات‌های مهم مانند ریاست‌جمهوری شاهد ظهور سازوکارهای جناحی- سیاسی هستیم که مسئولیت احزاب را بر عهده می‌گیرند و با تاکید بر محوریت لزوم همکاری بین تمام چهره‌ها و احزاب و گروه‌های یک جناح سیاسی، کار را پیش می‌برند. به همین دلیل است که خبرها از وجود ۲۲۲ حزب در کشور حکایت دارد اما در واقعیت چندان اثری از آن‌ها نیست. شاید پیچیدگی فضای سیاسی جامعه ایرانی در طول سالیان موجب شده تا برخی احزاب کارگشته و ریشخند قادر به فعالیت نباشند و در مقابل آنهایی دست به تاسیس حزب بزنند که یا سود خاصی در دنبال می‌کنند و یا ترس از فراموش شدن در دنیای سیاست دارند. جایگزین شدن سازوکارهای جناحی به جای احزاب نیز باعث می‌شود روش‌ها و شیوه‌های آن‌ها برای مسائلی مثل تعیین کاندیداها و معیارهای آن تا حد زیادی در برابر انتقادهای احتمالی بدون مسئول باشند و غیرشفاف خوانده شوند. در حالی که در آستانه هر انتخابات، راه رفع این ایرادها را تقویت احزاب و یا ساختارمندی سازوکارهای جایگزین احزاب مطرح می‌کنند، اما این قضیه تا آستانه انتخابات بعدی به فراموشی سپرده می‌شود و شاید دور از انتظار نباشد که در صورتی که جریان‌های سیاسی در فاصله دو انتخابات فکری به حال آن نکنند، ضرر آن را در انتخابات بعد ببینند. در بسیاری از کشورهای متمدن نامزد‌داری و انتخاباتی از دل احزاب بیرون می‌آیند؛ احزابی که رزومه‌های و فعالیت‌های حزبیشان مشخص است و مردم نیز به انتخاب آگاهانه دست می‌زنند. در ایران اما به طور کل دو جناح اصلی اصلاح‌طلبی و اصولگرایی مطرح بوده و هر حزبی در کشور زیرمجموعه‌ای از این دو جریان است که براساس سیاست‌های کلی آنها حرکت می‌کند اما عدم فعالیت گسترده موجب شده تا به جای افرادی از دل احزاب، برخی به میدان بیایند که یا سابقه کار اجرایی نداشته‌اند و یا به هیچ جناحی وابسته نیستند، لذا مشخص نیست که در صورت تحقق نیافتن وعده‌هایشان چه شخصی یا گروهی مسئولیت آن را می‌پذیرد. بحث ادغام احزاب کوچک یا غیرفعال با احزاب شناسنامه‌دار و در راستای ایجاد وحدت و گسترش تحزب هم از مواردی است که بسیار به آن پرداخته شده اگرچه کم‌اکامن چالش‌هایی بر سر آن وجود دارد.اصلاح‌طلبان ۹۲ و همزمان با انتخابات ریاست‌جمهوری علاوه بر ائتلاف با اعتدالیون در راستای رسیدن به وحدت، سازوکار شوراییعالی سیاست‌گذاری را راهاندازی کردند که در ابتدا با سرسختی برخی گروه‌های سیاسی همراه بود اما در نهایت با توجه به آن که وحدت در میان این جریان از اهمیت بالایی برخوردار بوده، همسویی با سیاست‌های شورای عالی را راجع دانستند. ثمره این وحدت نیز انتخابات مجلس دهم شورای اسلامی، ریاست‌جمهوری ۹۶ و شورای شهر پنجم را رقم زد، با سازوکاری به نام ارائه لیست مشترک اصلاح‌طلبی. نتیجه انتخابات‌های مهم در طول این‌سال‌ها نشان از آن دارد که جناح اصولگرایی باید راه دیگری برای رسیدن به وحدت پیدا کند. بهتر آن است که این جناح ریشم‌ای‌تر به مسئله وحدت بپردازد تا شاید بتواند در انتخابات ۴ سال دیگر با مهرهای مطرح‌تری به کارزار گام نهد. جریان اصولگرایی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲

نخستین شکست خود از اتحاد اصلاح‌طلبی را متحمل شد. پس از آن در انتخابات مجلس شورای اسلامی تلاش کرد با اتحادی منززل لیستی مشترک ارائه دهد که این سیاست نیز تجربه تلخی در برای اصولگرایی رقم زد. پس از آن اما در انتخابات اخیر برخی اصولگرایان تلاش کردند تا در قالب «جنما» بار دیگر شانس خود در راستای رسیدن به وحدت را بیازمایند، به همین جهت، برخی چهره‌های این جناح با کدخامنشی گروه‌امده و ضمن دعوت از احزاب مجوزدار، مردم حامی اصولگرایی و دیگر گروه‌های سیاسی سعی کردند وحدت را معنا بخشدن، با این حال شاهد بودیم که زمان اعلام کاندیداها، حزب‌هایی با سهم‌خواهی ازاین جبهه، راه خود را جدا کردند و برخی دیگر براتت جسته‌ند، نتیجه این بود که جریان اصولگرایی با سه نامزد به میدان رقابت‌ها وارد شد، تا لحظه آخر با پس نکشیدن و بنیان‌های وحدت‌اصولگرایی بار دیگر فروریخت. جبهه مردمی نیروهای انقلاب، نوظهور و بدون مجوز رسمی به عرصه سیاست وارد شد تا ماندگار شود، اصولگرایان را به زیر یک چتر جمع کند و کعبه امال آنهایی شود که سودای اتحاد در سر داشتند؛ اما ناگام ماند. سران آن بارها اعلام کردند که این جبهه به فعالیت خود ادامه خواهد داد اما اکنون که زمان زیادی هم از انتخابات گذشته تب آنها فرورگش کرد و جبهه و فعالیت سیاسی دیگری به فراموشی سپرده شد.

چهارسال دیگر بازهم دو جریان اصلاح‌طلبی و اصولگرایی در مقابل یکدیگر ایستاده و برای رسیدن به قدرت مبارزه خواهند کرد اما تا آن زمان فرصت بسیاری باقی است که احزاب و گروه‌های سیاسی برای اجتناب از آنچه که اخیرا رخ داد، در راستای گسترش وحدت و تقویت تحزب تلاش کنند، نه اینکه در آستانه انتخابات دیگری قرار بگیریم، مطالبات مردمی مطرح شود و آن‌گاه شاهد باشیم که احزاب توانایی فعالیت به عنوان پیوند دولت و حاکمیت را نداشته باشند.

احزاب باید ضمن بازسازی تشکیلات خود به دولت

مستقر کمک کنند

حسین کنعانی‌مقدم، دبیر کل حزب سبز در این‌باره گفت: در

انتقارات اصول‌گرایان از کابینه دوازدهم بررسی شد

سهم‌خواهی بازنده از برنده

خواسته مردم وزرای کار آمد فارغ از جناح‌بندی‌های سیاسی کشور است

حسین کنعانی‌مقدم دبیر کل حزب سبز ایران نوع انتخاب کابینه را به مطالبات مردم و خواسته‌ای که آنها در انتخابات اخیر داشته‌اند منوط می‌داند. در این مورد می‌گوید: پیام رای مردم به روحانی این است که بااعتدالی که صورت گرفته است باید شعارهایی که در انتخابات وعده داده شده محقق کند و مردم ارتقای معیشت، رونق اقتصادی و آزادی‌های شهروندی را لمس کنند و این فرصت استثنایی است که روحانی در این مقطع پیدا کرده‌است. در همین راستا و معتقد است: با توجه به تجربه چهار ساله دولت یازدهم و عملکردی که وزرا داشته‌اند مردم به دنبال این هستند که وزرای کار آمد فارغ از جناح‌بندی‌های سیاسی کشور را مدیریت کنند. این فعال سیاسی اصول‌گرا با بیان اینکه رقابت‌های سیاسی در انتخابات کارآیی‌هایی دارد اما بعد از استقرار دولت این رقابت‌ها را باید تبدیل به کارآمدی نظام کرد، افزود: به نظر می‌رسد برخی وزارت‌خانه‌های کلیدی کشور که اثر گذارتی هستند و همچنین مشاوران کلیدی که به مسائل اقتصادی مربوط می‌شوند، باید تغییراتی انجام شود.

۵۰ درصد کابینه یازدهم باید تغییر کند

گمانه‌زنی در مورد کابینه جدید دولت البته طیف متنکتری از جریانات اصول‌گرا را در برمی‌گیرد. سخنان یکی از اعضای حزب موتلفه را باید در این راستا ارزیابی کرد. حمیدرضا ترقی عضو شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی در ارتباط با رسالتی که دولت جدید دارد، معتقد است که با توجه به چالش‌هایی که ما در سال ۹۶ داریم اولویت دولت دوم آقای روحانی در رجه اول بحث تدبیر برای ایجاد اشتغال، بیکاری در کشور و همچنین رونق تولید باشد. این فعال سیاسی اصول‌گرا همچنین با اشاره به اینکه کابینه فعلی برای ادامه فعالیت در دولت آینده توانایی زیادی ندارد، افزود: برخی از وزرا توفیقی در فعالیت‌های کاریشان نداشتند تا پاسخگوی مطالبات مردمی باشد و به نظر من مجموعاً باید ۵۰ درصد کابینه تغییر پیدا کند.

به دولت دوازدهم توصیه می‌کنم با کابینه پویاتر عمل کند

اظهارات برخی از سلیسپون اصول‌گرا در مورد کابینه جدید، رست توصیه‌گرایانه نیز به خود گرفته است؛ محمدرضا باهنر، رئیس جبهه پیروان خط امام و رهبری در مورد چگونگی عملکرد کابینه جدید می‌گوید: به دولت توصیه می‌کنم با کابینه پویاتر و سرحالت‌تر عمل کند، چرا که برخی از دولت‌مردان فعلی وضعیت جسمی‌شان اجازه فعالیت را به آن‌ها نمی‌دهد. دبیر کل جامعه اسلامی مهندسین در پاسخ به اینکه روند فعالیت دولت در چهار سال آینده را چطور می‌بینید، معتقد است: به دولت توصیه می‌کنیم وقتی نیمه تمام خود را به اتمام برساند و مسریهایی را که نیاز به تغییر دارد اصلاح کند و حتما باید دولت دوازدهم پویاتر و سرحالت‌تر باشد. البته ناگفته نماند اعضای دولت یازدهم هم افراد کارآمدی بودند اما برخی از آنها علی‌رغم اینکه نیروهای متدین و خوب هستند وضعیت جسمی‌شان نمی‌کشدند بتوانند فعالیت خوبی داشته باشند. رئیس جبهه پیروان با بیان اینکه تدبیر دولت یازدهم خوب بود اما باید یک مقدار شجاعت حرکت هم بیشتر شود، اظهار کرد: دولت در برخی امور خود می‌تواند تحول ایجاد



عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

روحانی باید نظام توسعه یافتگی سیاسی را شکل دهد

زاله فرامرزیان، عضو شوراییالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان نیز معتقد است که واقعیت تحزب در کشور ما با نگاه مدیریت کشور نسبت به تحزب باید تناسب داشته باشد. آنچه که در دنیا تحزب معنای می‌گیرد، در کشور ما جناح نامیده شده‌است. باز یگاران جریان جناحی نیز در سبازها و اشکال مختلف متناسب با قانون در حال فعالیت هستند. به‌طورمثال تشکل‌های صنفی سیاسی داریم و تشکل‌هایی که مشخصاً خود را حزب معرفی می‌کنند که کلیات تشکیل‌دهنده آنها تعریف مشخصی ندارد. وی در ادامه گفت: شاکله‌ای که در جریان فعالیت حزبی تعریف شده است، مبنی بر تفکر است و ما نیز تابع تفکر اصلاح‌طلبی هستیم؛ در جریان اصلاحات، ۲۰ الی ۴۰ حزب وجود دارد، آنهایی که صنفی هستند تکلیف‌شان روشن است. اما دیگر احزاب همانند اتحاد، کارگزاران، اراده ملت، مردم‌سالاری چه تفاوتی با هم دارند؟ در پذیرش چند اصل، قانون و مقررات، استاسنامه یا حق عضویت؟ باید ببینیم، آنچه که در کشور ما اتفاق افتاده، متناسب با واقعیت است. فرامرزیان خاطر نشان کرد حقیقت امر این است که احزاب قوی ما آنهایی هستند که درکرد فعالیت دولت‌ها، توسط آنها ساخته شده‌اند. بر پاشنه آن قدرت رشد پیدا کرده و بزرگ شده اند و اکنون به عنوان یک حزب، مختصت آن را دارند. به اعتقاد این فعال سیاسی اصلاح‌طلب، با احزاب باید رویکرد متفاوت داشته باشند؛ یک حزب در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی کشور باید دیدگاه مشخصی داشته و چند دیگری هم تفکر خاص خود را در این زمینه‌ها داشته باشد اما متفاوت از هم. به گفته وی، آنچه که تا به امروز شاهد بودیم این است که واحدهای حاکمیت تمایل به قدرتمند شدن احزاب ندارند، اگر این تصور اشتباه است، در این چهارسال دولت در تعامل با تمامی ا اقراقا باید فکری در حال این مسئله کند؛ بالاخره اگر قادر به ترسیم سازوکارهای حزبی نیستند، لااقل جناح‌ها به رسمیت‌شانسند.

فرامرزیان تاکید کرد: خوشبختانه در قانون جدید بحث جبهه‌ها آمده و تعریف شده است. اما آنها نیز باید مشخص کنند که برای مدیریت کشور و حضور در نهادهای سیاسی چه تفکر و برنامه‌ای دارند و چگونه قرار به اجرای آن خواهند بود. اگر این است که واحدهای حاکمیت تمایل به قدرتمند شدن احزاب ندارند، اگر این تصور اشتباه است، در این چهارسال دولت در تعامل با تمامی ا اقراقا باید فکری در حال این مسئله کند؛ بالاخره اگر قادر به ترسیم سازوکارهای حزبی نیستند، لااقل جناح‌ها به رسمیت‌شانسند. شعار یا فضای تخریبی، وی ادامه داد: اگر اتفاق افتاد، می‌توانیم بگویم توسعه یافتگی در کشور ما مشکل می‌گردد. باید سازوکاری مطرح شود تا مردم از ترس سر کار آمدن یک شخص یا تفکر و یا تحت تاثیر کاریزما به پای صندوق رای نزنند. به نظر من باید برنامه‌های این جبهه‌ها، نیاز مردم را برآورده کند. عضو شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان گفت: چنین عملکردی، مستلزم داشتن نظام حزبی صحیح است و دقیقاً برنامه و مجموعه تخصصی فکری خود را در قالب یک مدل مدیریتی ارائه دهند، جامعه آنها را ضمن کار به اثبات برساند و نتیجه را به مردم اعلام کنند. تفکر مقابل هم از اقدامات خود را اعلام و از آن دفاع کند. جریان فکری روشن و توسعه یافته در این شرایط شکل خواهد گرفت وگرنه همچنان انتخابات ما در فضای احساسی برگزار می‌شود و نهایت بدون اینکه بدانیم تیم اصلی حامی دولت احدی قادر به تامین مطالبات است یا خیر به یک تفکر رای می‌دهیم. یکی از بزرگ‌ترین کارهایی که حسن روحانی می‌تواند در این ایام انجام دهد، شکل دهی به نظام توسعه یافته سیاسی برای تحقق برنامه‌های کشور است.

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری

عبدالله ناصری